

Received:2023/12/16

Accepted:2024/2/27

Vol.22/No.83/Spring2025

<https://doi.org/10.71502/mysticism.2025.1202089>

scientific quarterly journal of Islamic mysticism

erfan.eslami.zanjan@gmail.com

<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

An analysis of the themes and concepts of the first Tahmidiya of Masnavi " Tohfato Al-Ahbab" by Nahri

Parvin Parsa, Farhad Kakerash, Shahbaz Mohseni*

PhD Student, Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran. *Corresponding Author, farhad_kakarash@yahoo.com

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran.

Abstract

Tohfato Al-Ahbab poem is one of the important works of Sheikh Obaidullah Nahri in Persian language. The book is full of mystical and religious themes and has two different poetic weights. In this book, he looked at the concepts, themes, and structure of the first Religious praises, which is composed in eighty-one verses in the form of a masnavi and Bahr-Motaqarb. The authors have reached the results by means of descriptive and analytical research with emphasis on the content and verses, that Religious praises has a great command over the range of words and structure of the Persian language, and he has used the mystic code language beautifully and used the Qur'anic allusions artistically. He has put forward a different view with the themes and concepts of the entire verses of the book in this Religious praises and the structure and poetic style in this introduction is different from the structure and literary genre of the entire masnavi of Tohfato Al-Ahbab and although Nazem Tohfato Al-Ahbab is one of the standard-bearers of the Naqshbandiyya style, and in the composition of the book, he has a structural approach to Mawlawi's masnavi, but in this part, the themes of the Tahmadiyah and the Qur'anic teachings are more prominent, and the concepts of prayer and the emergence of Saadi's garden and the sea of convergence are written, and even forgiveness, rebellion, and crime. , sin and repentance to the court of almighty God, reminds of the final parts of Bustan.

Keywords: Tohfato Al-Ahbab, mysticism, Religious praises, Religious hints

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۸

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

دوره ۲۲- شماره ۸۳- بهار ۱۴۰۴- صص: ۲۷۹-۲۹۲

تحلیلی بر مضامین و مفاهیم تحمیدیه اول مثنوی «تحفه الاحباب» نهری

پروین پارسا^۱

فرهاد کاکه‌رش^۲

شهباز محسنی^۳

چکیده

منظومه تحفه الاحباب از آثار مهم شیخ عبیدالله نهری به زبان فارسی است. کتاب سرشار از مضامین عرفانی و دینی است و دو مقدمه یا تحمیدیه در دو وزن متفاوت شعری دارد. در این مکتوب نگاهی به مفاهیم و مضامین و ساختار تحمیدیه ی اول داشته که در هشتاد و یک بیت و در قالب مثنوی و بحر متقارب سروده شده است. نگارندگان به روش تحقیق توصیفی تحلیلی با تاکید بر محتوا و ابیات به این نتایج دست یافته اند که ناظم تحمیدیه تسلط فراوانی برگستره ی واژگان و ساختار زبان فارسی دارد و زبان رمزی عرفانی را به زیبایی استفاده کرده و تلمیحات قرآنی را هنرمندانه به کار برده است و نگاه متفاوت با مضامین و مفاهیم کل ابیات کتاب را در این تحمیدیه مطرح کرده و ساختار و قالب شعری هم در این مقدمه، از ساختار و نوع ادبی کل مثنوی تحفه الاحباب متمایز است و اگرچه ناظم تحفه الاحباب، از پرچمداران طریقه ی نقشبندیه است و درسروند کلیات کتاب به مثنوی مولوی نگاه ساختاری داشته اما در این قسمت مضامین تحمیدیه و تلمیحات قرآنی، برجسته تر نمایان شده و مفاهیم دعاگونه و بروزن بوستان سعدی و در بحر متقارب سروده شده و حتی عفو، عصیان، جرم، گناه و توبه به بارگاه ایزد لایزال، یادآور بخش های پایانی بوستان است.

کلیدواژه‌ها: تحفه الاحباب، عرفان، تحمیدیه، تلمیحات.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. نویسنده مسئول: farhad_kakarash@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

۱. پیشگفتار

شیخ عبیدالله نهری (۱۸۲۷ م - ۱۸۸۴) فرزند شیخ طه نهری متخلص به نهری و معروف به شیخ عبیدالله کرد، هم دوره ناصرالدین شاه در ایران است. پدرش، شیخ طه نهری فرزند سید احمد از اقطاب معروف سلسله نقشبندیه و از خلفاء مولانا خالد نقشبندی است. شیخ عبیدالله نهری اگرچه یکی از شخصیت‌های مذهبی، عرفانی، سیاسی و اجتماعی بنام کرد در عهد قاجار است اما با سرودن منظومه تحفه الاحباب در شعرو عرفان فارسی جایگاه خاصی پیدا کرده است. تحفه الاحباب، در چند بخش کلی منظوم شده و به طور کلی، در معرفی مشایخ و بزرگان و تعلیمات نقشبندیه، سیر و سلوک و به مباحث عرفانی کوشیده است و در آن دور نمایی از هنرنمایی‌های مزین به صنایع ادبی با تصاویر ساده و قابل فهم برای همگان نشان داده می‌شود، تا ویژگی‌ها و زمینه‌های مشترک لفظی و نحوه بیان و اندیشه و بینش شیخ عبیدالله نهری در این اثر ادب فارسی باز نموده شود.

عرفان و تصوف در منابع مختلف و در ساختار کلی نشان از یک چیز دارد و آن نیل به حقیقت از طریق کشف و شهود و سیر مراحل سلوک به روش‌های شهودی و تجارب درونی است. «بنابراین عرفان معرفتی است مبتنی بر حالتی روحانی و توصیف‌ناپذیر که در آن برای انسان این حالت پیش می‌آید که ارتباطی مستقیم و بی‌واسطه با وجود مطلق یافته است. این احساس، البته حالتی است روحانی و رای وصف و حد که در طی آن عارف ذات مطلق رانه به برهان بلکه به ذوق و وجدان درک می‌کند.» (زرّین کوب، ۱۳۶۲: ۱۰) با بررسی متون عرفانی می‌توان دریافت که شباهت‌های بسیاری میان اصطلاحات و مضامین و مفاهیم عرفانی در میان عرفا وجود دارد که بخشی از آن مربوط به گرایش فطری انسان به معرفت، معنویت و حقیقت‌گرایی است و بخش دیگر آن به ریشه عرفان و تصوف و شیوه‌های عرفانی بازمی‌گردد که اکثر اندیشمندان و محققان در عین حال که نظریات بسیاری را در این حوزه مطرح کرده‌اند، منشأ قطعی آن را قرآن کریم می‌دانند. وجود مضامین مشترک در میان مفاهیم و اصطلاحات عرفانی در آثار نویسندگان و عرفای بزرگ همواره سبب بروز دیدگاه‌های گوناگونی از جانب پژوهشگران شده و این امر بیانگر تأثیرگذاری عرفا در سیر و سلوک عرفانی بر یک‌دیگر بوده است.

عرفان و تصوف در تاریخ تحول و فرازونشیب آن، بخشی از تاریخ و فرهنگ گذشته‌ی ما بوده و اکنون هم به مانند مکاتب دیگر مکتبی است در جهان اسلام و ایران، به ویژه در مناطق کردستان جریان دارد. شناخت و بررسی اندیشه‌های عرفانی در مثنوی «تحفه الاحباب» شیخ عبیدالله نهری از نظر مایه

های فکری پدید آورنده، در معرفی مفاهیم و تعلیمات عرفانی به ویژه عرفان نقشبندیه بانشان دادن ذهن هنری شاعر و قدرت خلاقیت و زبان و بیان خاص او، پژوهشی تازه و ارزشمند است. از آنجاکه متون عرفانی در قرون اخیر از اهمیت و جایگاه بالایی در ادبیات فارسی برخوردارند، بررسی این کتاب با توجه به نزدیکی تاریخ آن به دوره ی ما، می تواند بخشی از تاریخ ادبیات و عرفان اسلامی و ایرانی و تطور و تحول آن را برای ما مشخص کند.

نگارندگان در این مکتوب با تکیه بر تحلیل مقدمه ی اول مثنوی «تحفه الاحباب»، دیدگاه های سراینده ی این اثر را معرفی کرده و اندیشه های اولیه وی را در آغاز سرایش آن، تاحدی نمایان می سازند. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه ای و گردآوری مطالب به صورت فیش برداری است. در بررسی ها و جستجوهای پیشینه تحقیق، منبع یا مرجعی در ادبیات و پیشینه ی آن در موضوع این مکتوب به مرجعی یافت نشد.

۲. بحث و بررسی

اگرچه مقدمه اول مثنوی «تحفه الاحباب»، تحمیدیه ای است که به صورت معمول و مرسوم در متون ادب فارسی جریان داشته است اما ناله ها، نگاه ها، بیان نرم و خاضعانه ی شیخ عبید الله نهری به سوی پروردگار، با سوز و گداز درونی بنده ی خاکسار و پشیمان و گناهکار همراه است و خواننده را با خود به دنیای روحانی و عالم ملکوتی سوق می دهد و دنیا و مافیها را پوچ می انگارد و کمال و اوج عرفان عارفانه را به ویژه در چند بیت آخر با تمسک به دو پیر بزرگ و کاملان عرفان (شیخ عبد القادر گیلانی و حضرت رسول اکرم ص) به تصویر می کشد. (کاکه رش، ۱۴۰۱)

شاعر، جرم و عصیان خویش را بر می شمارد و از ایزد لایزال غفار، طلب مغفرت و آمرزش می کند و این گونه ابیات، مناجات و توبه های سعدی در بوستان را یاد آور می شود و تأثیر پذیری مقدمه ای اول تحفه الاحباب از بوستان سعدی آشکار می گردد.

۲-۱. تحمیدیه، مضامین و مفاهیم آن

حسین رزمجودر کتاب انواع ادبی و آثار آن، در تعریف حمد می گوید: «حمد به معنی ستایش کردن و ستودن خصلت ها و صفات نیک کسی است و شعر مدحی، ستایشی است که شاعر از ممدوح خود می کند و ضمن آن سجایای اخلاقی وی را بر می شمرد و از رفتار و موفقیت های او تمجید می نماید و زبان به بزرگ داشت وی می گشاید.» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۸۹) شعر فارسی نخستین بار در قالب قصیده و به منظور مدیحه سرایی آغاز شد و محمد بن وصیف سیستانی در قصیده ای یعقوب لیث را ستود. از این پس در تمام دوران ها، ستودن ممدوح در شعر فارسی مقامی ممتاز دارد. این ممدوحان گاهی از وزیران و امیران و ارباب دولتند. گاهی شاعر، دوستان خویش و اهل علم و تقوی و دانشمندان

و هنروران را می‌ستاید و گاه به ستایش اولیای دین، رسول اکرم و خلفای راشدین و ائمه اطهار و پیشوایان دین‌ها و مذہب‌های گوناگون می‌پردازد. مقدمه یا «دیباچه تصویر کاملی را از موضوع، سبک و سبب تألیف کتاب، زندگی و اندیشه و اوضاع اجتماعی زمان مؤلف نشان می‌دهد. توجه به ساختار و محتوای دیباچه‌ها، نشان می‌دهد که نویسندگان این آثار، چه مؤلفه‌هایی را مدنظر داشته و بر حسب محور اصلی اثر، طرز بیان و تفکر و سبک ادبی خویش، چگونه عمل کرده‌اند. دیباچه و تحمیدیه، دریچه‌ی ورود و آشنایی با متن و محتوای اثر است که بسته به هنر و توانمندی صاحب اثر، می‌تواند بیانگر اندیشه و طرز تفکر و نیز شناخت سبک لفظی و معنوی و دغدغه‌های فکری مولف باشد. مهمترین مختصات تحمیدیه‌ها و دیباچه‌های فارسی را سجع و دیگر صنایع لفظی، همچنین اطناب در علم معانی و اقتباس از آیه و حدیث، تشکیل می‌دهد.» (بساک، ۱۳۹۹: ۱) زرین کوب در باره اشعار مدحی در نقد ادبی می‌گوید: «شعر مدحی تنها به امرا و محتشمان اختصاص ندارد، بلکه در ادب فارسی بسیار است مدیحه‌هایی که در حق پیامبر (ص) گفته شده است یا درباره ائمه دین علیهم السلام به صورت نعت و منقبت به سلک نظم درآمده است این دسته از اشعار در ردیف شعر تعلیمی و دینی مورد بحث قرار می‌گیرند.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۱۶۱)

۲-۲. تلیمحات آیات قرآن و احادیث

بدیهی است که تصوف اسلامی منبعث از اسلام و اندیشه‌های اسلامی است و به تعبیر شفیعی کدکنی «عرفان، رنگ هنری الهیات است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲) ما همیشه به آثار فرهنگی و هنری خویش نازیده‌ایم و بی‌شک مفاخران ما، بزرگان ادب و هنر و آثار گرانمایه‌شان است و تأمل در اندیشه‌های مستور در لابلای سطور آثارشان، اصل ضروری در مبانی فرهنگی است. در این آثار خواسته و ناخواسته ردپای مفاخر اعتقادی خویش، اسلام، کلام‌الله و سخنان مبارک رسول‌الله (ص)، به شیوه‌های گوناگون پیداست. بدیهی است که تصوف اسلامی منبعث از اسلام و اندیشه‌های اسلامی است (کاکه رش، ۱۳۷۸)

«کاربرد قرآن و حدیث در ادب فارسی محدودیت ندارد و نمی‌توان قالب‌های آن را به چند صنعت بدیعی محدود کرد یا در چند نمونه ذکر صریح منحصر شمرد. ..چه بسیار معنی‌ها و مفهوم‌هایی که به نظر ابتکاری می‌آید اما وقتی دقت شود سرچشمه و منبع اصلی آن را در قرآن و حدیث می‌یابیم.» (راشد محصل، ۲۳: ۱۳۸۰)

در آثار ادبی کاربردهای قرآن و حدیث بسیار متنوع است و برداشت‌های متفاوت از آیات و احادیث دیده می‌شود. گاهی هدف نویسنده القای معانی و بیان اندرز و حکم و پیام اخلاقی و اخبار و آگاهی است و به هر طریق که بخواهد از آیات و احادیث بهره می‌جوید. گاهی گویندگان در آثار خود برای آرایه‌بندی و تزئین مطلب و هنرنمایی از به‌کار بردن قرآن و حدیث استفاده می‌کند و گاهی تفکر

و مبنای فکری و اعتقادی نویسنده، وی را وادار می‌کند بدون نام و کلام حق، زبان به سخن نگشاید و بی اجازه‌ی دستورات حق، مجوز صادر نکند.

سراینده در آغاز تحفه الاحباب، به مناجات با حق می‌پردازد و شیوه خاص مدح پردازی وی از همین مناجات مشخص می‌شود در دو بیت آغازین، آغاز و انجام خلقت را از آن حق می‌داد و به آیه‌ی معروف « انا لله و انا الیه راجعون » اشاره دارد و این گونه در بحر متقارب به عنوان مقدمه می‌آغازد:

الهی به نامت شدم از عدم به نام توهم رخت آن جا برم

به نام تو باز از سوی آن دکان به پیشت کشم جمله سودوزیان

(نهری، ۱۳۹۴: ۱)

در بیت سوم، به صفت قرآنی خداوند تلمیح دارد که در سوره مریم آیه ۹۶ آمده است:

به نام تو سرمایه خسر و سود برای حساب اورم ای ودود

«ودود»، در قرآن کریم یک بار با صفت «رحیم» و یک بار با صفت «غفور» به کار رفته است. و بر دوستی خدا نسبت به بندگانش دلالت می‌کند: *إِنَّ رَبِّيَ رَحِيمٌ وَدُودٌ* (آیه ۹۰ سوره هود) پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه‌کار) است. *وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ* (آیه ۱۴ سوره بروج) و او آمرزنده و دوستدار مؤمنان است.

همه هر چه هست از سرور و زغم کنم دفتر و در ترازو نهم

قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ و ای قوم من، پیمانه و ترازو را عادلانه [و منصفانه] کامل و تمام بدهید.

در بیست ششم سراینده با آرایه‌ی ظریف سیاقه الاعداد بدیعی دعای افتتاح قرآنی را یاد آورد می‌شود و حیات و ممات و زندگانی و نماز و رفتارش را وقف الهی می‌داند:

که تحریر و فکر و خطورم به توست حیات و ممات و نشورم به توست

تلمیح ظریفی است به آیه ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ از سوره انعام: *وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ خَنِيئاً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ* (۷۹) من با ایمان خالص روی به سوی خدایی آوردم که آفریننده آسمانها و زمین است و من هرگز از مشرکان نیستم. *قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* (162) *أَلَا شَرِيكَ لَئِي وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ* (163) بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. همتایی برای او نیست و به همین مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم!»

بیت هفتم به آیه معروف «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و امثال آن، اشاره دارد:

ترا حمد شد لایق از جمله کس زهر کس که صادر شود یا بکس

بیت هشتم به اجابت دستور حق اشاره دارد که درود و سلام بر پیامبر رحمت (ص) را دستور داده است:

سوره ۳۳، آیه ۵۶: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

بود حسب اقناع و ارضای تو صلوه و سلام و هدایای تو

(نهری، ۱۳۹۴: ۱)

بیت نهم به حدیث لولاک لما خلقت الأفلاک اگر تو نبودى، افلاک را خلق نمی کردم، اشاره دارد که در ادبیات عرفانی بازتاب گسترده ای دارد:

بر آن کس که مختار خود کرده ای زمین و زمان بهر او کرده ای

بیت دهم به ستار العیوبی و کرامت و بخشنگی خدا و تلمیح دارد:

کریمما عطا را تو بخشنده ای حکیمما خطا را تو پوشنده ای

سراینده در بیت یازدهم به آیه معروف «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيمُ» بیانگر این مفهوم است که همه ی هستی نیازمند و تنها وجود بی نیاز، خداست. او در هستی خود به دیگری محتاج نیست، که صوفیه در مقامات عرفانی و وادی استغنا، به آن تمسک می جویند: به تو هست حاجت همه خلق را تو محتاج کس نیستی از ورا

نهری در بیت ۲۸ اشاره به «يَحْمُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» «الرعد آیه ۳۹»

خداوند هر چه را که بخواهد (و مصلحت بداند، از نشانه های کتاب دیدنی جهانی و از آیه های کتاب خواندنی آسمانی) از میان برمی دارد، و هر چه را (از قوانین هستی و از شرائع الهی که حکمتش

اقتضاء کند و مناسب با زمان باشد) بر جای می‌دارد و (جایگزین می‌سازد. و همه اینها) در علم خدا ثابت و مقرر است. (خرم دل، ۱۳۸۲)

تو محو از لوح جرم و عتاب بحسب و عِنْدَهُ أَمَّ الْكِتَابِ

در بیت ۲۹ سراینده به وسعت رحمت اشاره دارد و از درگاه ایزد تعالی درخواست دارد:

ز تو رحم شد موجب مغفرت خودت گفته رَحْمَتِ وَسِعَتْ

اشاره به « فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبِّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَ... » (الانعام آیه ۱۴۷) اگر تو را تکذیب کردند بدیشان بگو: پروردگار شما دارای رحمت گسترده و مهر فراوان است (خرم دل، ۲۷۴) در چند بیت بعدی در واقع، بیان آیه مذکور را توجیه و تفسیر می‌کند.

۲-۳) اشاره به اسماء حسنی

نهری، در این تحمیدیه به اسماء حسنی و نام‌های مبارک خداوند اشارات فراوان دارد از جمله: الله، کریم، حکیم، خالق، قادر، ودود، تعالی، ماجد، کبیر، غفور، رحمان و...

۲-۴) تکرار ضمیر «تو»

ضمیر «تو» به صورت جدا و پیوسته، در این مقدمه ۸۱ بیتی، ۴۷ بار مکرر و خطاب به بارگاه حق، آمده است. به ویژه در آغاز بسیاری از ابیات، گو اینکه خاضعانه در مقابل حق زانوی تعبد و تسلیم زده و بدون واسطه با او رازها گفته و تمناها دارد. از جمله مصراع‌های:

به نام تو هم رخت آن جا برم
 به نام تو باز از سوی آن دکان
 به نام تو سرمایه خسر و سود
 به نام تو گویم سؤال و جواب
 که تحریر و فکر و خطورم به توست
 ترا حمد شد لایق از جمله کس
 بود حسب اقتناع و ارضای تو
 کریم عطا را تو بخشنده ای
 به تو هست حاجت همه خلق

...

ناگفته پیداست سراینده، برای حسن تأثیر کلام و ایجاد نوعی موسیقی و زیبایی شعر از تکرار تو بهره برده است. می دانیم در علم زیباشناسی و بدیع، تکرار، یکی از عوامل مهم زیبایی کلام و در علم سبک شناسی تشخیص و تمایز شعر از دیگران می باشد تکرار واژه و جابه جایی آن در ساختار متن، یکی از عوامل برجسته سازی زبان شعری می شود و باعث افزایش موسیقی کلام و القای معنی مورد نظر شاعر به خواننده می گردد و آن را مهم تر نشان می دهد.

۲-۵) مضامین کلامی

شیخ عبیدالله نهری در این تحمیدیه، توأم با تلمیحات و اشارات عرفانی، به مضامین کلامی و اعتقادی هم توجه داشته است که به مانند بسیاری از بزرگان اهل سنت، متأثر از اندیشه های امام غزالی است. از آن جا که غزالی در کتاب «الاقتصاد فی الاعتقاد» بحث ذات، صفات و افعال خدا را به صورت منظم و مدون آورده و در «اربعین» در اصل اول از اصول چهل گانه تأکید دارد: «می گوئیم ستایش خدایی را، که در کتابی که بر زبان فرستاده اش نازل کرده است؛ خود را این گونه به بندگانش می شناساند که، ذاتی است یگانه، شریکی ندارد، یکتایی است بی مانند، همه به او نیازمندند، کسی نیست که با او ضدیت کند، یگانه است بی همتا، قدیمی است که اول ندارد، ازلی است و آغاز ندارد، همیشه است و پایان ندارد، ابدی است و نهایی برایش نیست؛ به ذات خویش قائم است، و هیچ گونه انقطاعی ندارد، دائم است، و گسستگی در او نیست؛ و همیشه دارای جلال و عظمت بوده و هست و خواهد بود، مرور زمان، و گذشت روزگار او را نابود نخواهد نکرد، او اول و آخر و ظاهر و باطن و به هر چیزی دانا است.» (غزالی، ۱۳۶۹: ۱۹) نهری، در اولین صفحه ی کتاب، به توحید باری تعالی می پردازد و به موضوعات فرعی آن چون معرفت، وحدت و شرح عظمت، تنزیه، ذات، درجات حفظ و مراقبه، حکمت رزق، هدایت، تقدیس، صنع، شکر و ... می پردازد و ایده ها و عقاید خویش را به زبانی آهنگین و رنگ عرفانی ملایم به خواننده اش انتقال می دهد:

تعالیت ادراک فهم بشر	تعظمت از درک عقل و بصر
تو در ذات و اوصاف خود واحدی	همه خلق را موجد و ماجدی
تو ای رهبر راه گم گشتگان	تو ای رهنما بهر اوارگان
تو ای چاره ساز و کسی چاره نیست	تو ای رهبر هر که اواره ایست
تو ای خالق هر چه موجود شد	تو ای قادر هر چه معدود شد
ز دست قضایت گریزم به تو	ز تو گر گریزم شوم سوی تو

(نهری، ۱۳۹۴: ۱)

۶-۲) دعا و عذربه بارگاه الهی

جرم از نظر قرآن با مفاهیم دیگر چون گناه، سیئه، معصیت و ... گاهی هم معنی است. سعدی در باب دهم بوستان، در « مناجات و ختم کتاب »، متواضعانه دست تضرع به درگاه خدا برمی دارد و جرم را هم معنی گناه می داند و بر انسان رواداشته و بخشش آن را از خدای خواهد (کاکهرش، ۱۳۹۷):

خداوندگارا نظر کن به جود که جرم امداز بندگان در وجود
گناه ایدازبنده ی خاکسار به امید عفو خداوندگار

(سعدی، ۱۳۷۹: ۱۹۶)

۴-۱-۳) واسطه

یکی از باورها و رفتارهای عملی در بسیاری از مشرب های عرفانی این است که فیض خداوندی از مجرای انسان کامل به همه موجودات ساری و جاری می شود به گونه ای که بقا و استمرار عالم به دست انسان کامل است. جامی در نقد النصوص می گوید: وهو الواسطه بین الحق والخلق وبه ومن مرتبه یصل فیض الحق والمدد الذی هو سبب بقاء ما سوی الحق الی العالم کله علواً وسفلاً ولولاه من حیث برزخیه التي لا تغایر الطرفین لم یقبل شیء من العالم المدد الالهی الوحیدانی لعدم المناسبه والارتباط ولم یصل الیه فکان یفنی وانه عمد السموات والارض ولهذا السر برحله من مرکز الارض... ینحزم نظامها فیدل الارض غیر الارض (نقد النصوص، ۹۷)

شیخ عبید الله نهری در پایان این مناجات نامه متواضعانه از گناهکاری و عدم لیاقت خویش در مقابل عظمت و کبریای الهی، سخن می گوید و برای رسیدن به رحمت الهی و قصد قربت، به واسطه توسل می جوید و پیامبر (ص) سرور انبیاء و غوث اعظم، سرور اولیاء را واسطه قرار می دهد که یکی از اصول نقشبندیه است. این موضوع نگاهی کرامت گاهی به بلاگردانی شهرت دارد. شیخ به صراحت به وسیله و واسطه اشاره می کند:

چو هستم کمال تدنس پذیر تو در غایت کیریانی کبیر
وسیله همی جست باید مرا شفیع کنم بهر این مدعا
وسیله بود سرور انبیاء پنهام بود مفخر اولیاء
خدایا بحق رسول کریم بحق نبی و ولی عظیم
به روح نبی و ولی کبیر بجان محمد (ص) به غوث منیر

(نهری، ۱۳۹۴: ۵)

اما وسیله و واسطه ی اول و مهم را مفخر انبیا نام می برد و وی را با القاب و عنایبی و اشاراتی چون معراج، حدیث لولاک، سرور انبیاء، رسول اکر حدیث مع الله، شفیع نام می اکرم، نبی و... نام می برد. ۶۸-۷۳

به ان کس دمش فرش چون عرش شد	به ان کس معراج در عرش شد
به شهباز افلاک و فخر زمین	بسلطان لولاک چرخ برین
به روح منادای الله را	بجان شد لی مع الله را
به یا غوث الاعظم ز حی علیم	به ان کس که حق داد خلق عظیم
مکن نا امیدم زبحر نعم	رجای مراکن قبول از کرم
ز اسراف و حرمان و گمراهیم	اگرچه ز عصیان و نا اهلیم
که گویم بمن بدل کن این و ان	نیینم به خود زمره همچنان
به غوث و مقام نبوت کنم	ولیکن نظر چون به رحمت کنم
کنم جراتی در دعا از جلیل	به هر دو وسیله به هر دو دلیل
به هر دو شفیعم رجاکن قبول	تضرع نمود از تو عبد ذلول
که بر هر دو بادا صلوات و سلام	شفیعم رسول است و غوث کرام

(نهری، ۱۳۹۴: ۵)

در توصیف استاد و پیشوای طریقت قادری، غوث گیلانی و یا غوث اعظم را به نشان واسطه در طریقت معرفی میکند. های شیخ عبید الله وقتی در هنگام دعا و زاری به پیشگاه حق از عدم مقبولیت دعاها ی خویش نا امید می شود و خود را لایق مرحمت و مکرمت حق نمی داند با اشاره ه به روایتی از حضرت رسول (ص) در اعظمت کعبه و ایهامی به لقب اعظم شیخ عبد القادر گیلانی، یکی از ارکان تصوف نقشبندیه را تعلیم میدهد و از باور خود به آن سخن می گوید:

اگر من نیم لایق مرحمت	همانا توئی صاحب مکرمت
زرجم عظیم تو شد لایقم	به مطلوب اعظمک شوم فائقم
طلب اندک از اعظیمان ناسزاست	همانا در خور اعظم اعظم رواست

تو اعظم تمنا رتو اعظم است وسیله همان غوث اعظم شده است

وی بارها به زیارت شیخ عبدالقادر گیلانی در بغداد از جمله بعد از اتمام فصل اول کتابش در سال (۱۲۹۴ ه.ق.) رفته است. در اثرش اشاره ای زیبا دارد:

گر ز فیض بحث شه مانندیم دور در رسید از غوث اعظم فیض و نور

از زیارتگاه فخر خاص و عام غوث اعظم قطب عالم بردوام

(نهری، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

۳-۱-۵ مضامین عرفانی

تحفه الاحباب یک اثر کامل و تام عرفانی است و شیخ عبیدالله، با حسن تعلیل ها و تحلیل های عارفانه، سعی دارد اسرار صوفیانه را به مخاطبان و پیروان خویش، آموزش دهد و بهترین شیوه ی تعلیمات خویش را در مظهر شعری و مثنوی فارسی می داند. هنر آفرینی های زیبایی در لفظ و معنا دارد و گستردگی ذهنی و وسعت تسلط بر ذخایر واژگان و ترکیبات زبان فارسی را نمایان می سازد. از اصطلاحاتی چون: رهبر و رهنما، مرید، قطب، مست، عشق، اولیاء، اصفیاء، بحر اعظم، ولی کامل، رحمت، غیر، میخانه، فقر، فنا و بقا و... را در اینجا به زیبایی بهره برده است:

رجا دارم از رحمت و اسعت ز احسان و انعام بس کاملت

نجاتم ده از خجلت روی خویش ز غیر خودت کش مرا سوی خویش

به اسم و مسمی چو عبد توام یکی از اسیران بند توام

بدان خوشترم که بیارم بری نه خود پیش اغیار زارم بری

مرا مست میخانه خویش ساز دل از من ستان و به عشقت گداز

که از غیر تو در تو فانی شوم ز خود منقطع در تو باقی شوم

شوم در تو فانی اتم فنا بوم در تو باقی اتم بقا

من از فرط عصیان و حرم عظیم توکل به رحم تو کردم کریم

طلب کردم از تو مقام شگرف بتکلان رحم تو کردم عسف

(نهری، ۱۳۹۴: ۴)

۳) نتیجه گیری

یافته های این مکتوب نشان می دهد مقدمه ی اول تحفه الاحباب، متمایز از ساختار و نوع ادبی کل مثنوی کتاب و اگرچه ناظم تحفه الاحباب، از پرچمداران طریقه ی نقشبندیه است و درسرودن کلیات کتاب به بوستان سعدی و مضامین پایانی (مناجات و ختم کتاب) نظر دارد؛ در حقیقت توبه نامه ای است از سراینده به درگاه باری تعالی، که با زبانی نرم و روان و آهنگین به توانایی، جلال و شکوه و عظمت، در عین حال رحمانیت و محبت و کریمانه حق اشاره دارد و به او توکل می کند.

اگر چه مضامین عرفانی مقدمه اول تحمیدیه ای است که به صورت معمول و مرسوم در متون ادب فارسی جریان داشته است اما ناله ها، نگاه ها، بیان نرم و خاضعانه شیخ عبید الله نهری به سوی پروردگار، با سوز و گداز درونی خاکسار رو پشیمان و گناهکار بندگی همراه است و خواننده را با خود به دنیای روحانی و عالم ملکوتی سوق می دهد و دنیا و مافیها را هیچ و پوچ می انگارد و کمال و اوج عرفان عارفانه را به ویژه در چند بیت آخر با تمسک به دو پیر بزرگ و کاملان عرفان شیخ عبد القادر گیلانی و حضرت رسول اکرم (ص) به تصویر می کشد (کاکه رش، ۱۴۰۱) خطاها و عصیان خویش را بر می شمارد و از ایزد لایزال غفار طلب مغفرت و آمرزش می کند و در این گونه ابیات، مناجات و توبه های سعدی در بوستان را یاد آور می شود و تأثیر پذیری مقدمه ای اول تحفه الاحباب از بوستان سعدی آشکار می گردد. شیخ به خطاها و عصیان خویش به عنوان بنده گناهکار پریشان روزگار و خجالت زده اعتراف می کند و به عفو و مغفرت پروردگار امید دارد. با نگاهی عارفانه خود را در کمند عشق الهی اسیر می داند و آرزو می کند در دنیا و قیامت بنده ی مطیع و سر بلند برای او باشد و فقط در مقابل وحدانیت حق سر تعظیم فرود آورد. برای رسیدن به وصال و سعادت مندی در دنیا به شفاعت و کامل ترین انسان و رهبر بشریت و کاملان عارفان، حضرت محمد مصطفی (ص) توسل می جوید و از غوث اعظم (شیخ عبد القادر گیلانی) به عنوان پیشوای طریقت و استاد اندیشه های خویش طلب روحانی دارد تا در پناه و حمایت آن دو عزیز، به عزت انسانی و عرفانی دست یابد.

منابع و مآخذ

- ۱) بساک، حسن (۱۳۹۹)، سبک شناسی دیباچه ها و تحمیدیه های متون نثر سبک عراقی، سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) سال: دوره: ۱۳، شماره: ۲ (پی در پی ۴۸) صفحات: ۱-۲۲
- ۲) جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۰)، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، مصحح: چیتیک، ویلیام سی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)
- ۳) خرم دل، مصطفی (۱۳۹۲)، تفسیر نور، تهران: احسان
- ۴) رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). انواع ادبی و آثار آن، چ ۳. مشهد: موسسه انتشارات آستان قدس.
- ۵) زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲) نقش بر آب، تهران: انتشارات سخن.
- ۶) زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). نقد ادبی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۷) سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۹)، بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲) زبان شعر در نثر صوفیه، تهران: انتشارات آگاه.
- ۸) شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، ادوار شعر فارسی، تهران: نشر سخن.
- ۹) غزالی، ابوحامد محمد، ۱۳۶۸ اربعین، ترجمه ی برهان اللّین حمدی، تهران: نشر اطلاعات.
- ۱۰) قرائتی: محسن (۱۳۸۶) گناه شناسی، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
- ۱۱) کاکه رش، فرهاد (۱۳۷۸)، تأثیر قرآن بر شعر کلاسیک ادب کردی، پایان نامه کارشناسی ارشد، سنندج
- ۱۲) کاکه رش، فرهاد (۱۳۹۷)، جرم، تقصیر و توبه به پیشگاه الهی، با نگاه عرفانی سعدی، فصلنامه عرفان اسلامی زنجان، دوره ۱۵، شماره ۵۸، بهمن ۱۳۹۷.
- ۱۳) نهری، شیخ عبیدالله (۱۳۸۱) مثنوی «تحفه الاحباب»، به کوشش اسلام دعاگو، ارومیه: حسینی اصل
- ۱۴) <http://www.khalifa.blogfa.com/post/33> وبلاگ گیلانی زاده، حکیم (۱۳۹۰)